

پنجمین همایش ملی تئاتر خیابانی راهیان نور از امروز ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ تااول فروردین ۱۴۰۲ یادبیری «مصطفی پوعذار» کارگردان تئاتر خوزستانی در یادمان های دفاع مقدس استان شامل یادمان شلمچه، یادمان نهرخین، گلزار شهدای هویزه، دهلاویه، معراج شهدا، یادمان فتح‌المبین، یادمان اروند و موزه جنگ خرمشهر به اجرا درخواهد آمد.
نمایش‌های «یادگاری» به کارگردانی احمد مسافری، «آخرین پیروز» به کارگردانی محمود عیسی‌پور،

### ۴ تئاتر خیابانی در یادمان‌های خوزستان

## با محمد حاتمی مطرح شد

# میشگی جامعه است



حرف جدی زده، حتی اگر زناش کمدی باشد، همیشه حرفش برای تعالی بخشی به جامعه بوده‌است. تئاتر مکانی برای اندیشیدن و دیالوگ است، شما در سینما چنین چیزی را نمی بینید مخصوصا در سینمای ایران. به نظر من در سینمای ایران به جز برخی کارگردانان که می توانند جریان ساز باشند، مابقی سینما فقط یک تفریح است که گاهی اوقات به ابتدال کشیده می شود. در سینما وتلوویزیون کارگردانان ما آن قدر ساده از کنار مسائل می گذزند، از کنار مشکلات جامعه و خانواده و مهم تر از آن آموزش و پرورش عبور می کنند که به راحتی می توان فهمید شما را به عنوان مخاطب جدی نمی گیرند. چون از مایه‌ازاهای جامعه‌اش دور است و گاهی مواقع یا از این ور بوم می افتد یا آن ور بوم. در این میان جدی ترین سکوی ما برای این که از ارزش ها حرف بزنیم، تئاتر است. چون همیشه آن تعهدی را که نسبت به فکر و اندیشه و انسان سازی و آموزش و پرورش دارد، ادا کرده است. به نظر من همیشه تئاتر به وظیفه‌اش عمل کرده است حالا در طول سال های سال مدیریت ضعیف ما باعث شده برخی استادان ما خانه نشین بشوند و امکان کار برای شان نباشد.

**۴] این نگاه شما واقعی است که بی شک از یک هنرمند تئاتر انتظار می رود اما آیا معتقدید هنرمندان تئاتر بر این موضوع تمرکز دارند؟ به عبارتی دیگر با تغییر شما آیا با این موضوع موافق هستید که اگر کمدی در مسائل فرهنگی وجود دارد یا کاستی در مسیر بلوغ فرهنگی داریم، هنرمندان هم در آن دخیل هستند؟**

برای درک این موضوع اجازه دهید یک مثال در سطح آموزش بگویم. در سطح آموزش اگر ما استادان مجربی داشته باشیم، آن وقت خروجی مناسب خواهیم داشت. آن وقت می توانیم روی هنرمند حساب کنیم که چقدر در بود و نبود جریان هنر دخیل خواهد بود. متاسفانه در سطح آموزش بسیار دچار نقصان هستیم. متاسفانه امروز به هر کسی با هر سابقه‌ای اجازه آموزش و تدریس داده می شود، در صورتی که آموزش و پرورش کار هر کسی نیست. واقعا این قضیه را شوخی گرفتیم.

**۴] تعریف‌تان از استادان مجرب را هم بگویید. از منظر شما استاد مجرب کیست. چه ویژگی هایی دارد؟**

به نظر من استادان مجرب کسانی هستند که به آنچه می گویند، آگاه باشند. من وقتی سرکلاس می روم و از فیلم ها یا تئاتر هایی که بازی کردم نقل قول می کنم، یعنی فقط دارم پس مانده کارهایی را که کردم انتقال می دهم به کسی که سرمایه خرج کرده و در حال آموزش است. این به چه درد او می خورد. وقتی ما شیرازه این کار را نفهمیم، پس نمی توانیم منتقل کنیم. استاد مجرب کسی

«قهرمان وطن» به کارگردانی داوود علیدادی و نمایش «پوکه» به کارگردانی مریم زاده‌درویش در این همایش به رقابت با دیگر نمایش های حاضر می پردازند.
خاطر نشان می شود پنجمین همایش ملی تئاتر خیابانی راهیان نور توسط موسسه فرهنگی و هنری «آئین معراج هنر ما» با حمایت و مشارکت مجموعه های فرهنگی و نمایشی کشور و ادارات و نهاد های استان خوزستان و در راستای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت با هدف رونق بخشی

به جریان عظیم و مردمی راهیان نور و با بهره گیری از توانایی هنرمندان متعهد تئاتر خیابانی و محیطی و به صورت غیررقابتی اجرا می شود. موضوعات نمایش ها پیرامون اقشار مختلف در راهیان نور، ظرفیت گردشگری راهیان نور، معرفی شهدای شاخص، ایثارگران و جانبازان دفاع مقدس، شهدای مدافع حرم و آثار مرتبط با جهادگران و روایان دفاع مقدس در راستای «جهاد تبیین» عنوان شده است.



می شوید چرا؟
چطور جذب شیعی کدکنی می شویم و این شاعر آدم را رها نمی کند
چطور وقتی از ابتهاج، شاملو و... می خوانیم جذب می شویم چون این بزرگان با جان و دل ما سروکار دارند و بعضی ها نه، چون آن شاعر نیامده با کلمات بازی کند. استاد شیعی کدکنی اگر شعر هم نگوید شاعر است. تاکید ی که من درباره تدریس دارم برای این است که درس دادن یک استعداد ذاتی می خواهد، نتیجه شناخت است، نتیجه ممارست است. به عبارتی تدریس اولاً یک چیز ذاتی است که فقط با مطالعه به دست نمی آید و مثل چشمه باید از درون بجوشد و در گام بعدی این فرد باید احساس مسئولیت کند که وقتی یا به حرفه‌ای می گذارد که قرار است آموزش دهد چه اتفاقی قرار است در آموزش درست یا نادرست بیفتد. مسأله اینجاست.

**۴] به نظر شما مشکل کجاست؟ چه عاملی باعث چنین رخداد نامیومی می شود.**

عدم تعهد و ساد ه انگاری، من یک بار گفتم ما ساده دل هستیم اما ساده لوح نیستیم. ما آدم هایی بسیار خوش باور، امیدوار و مهربان هستیم ولی آدم های نادانی نیستیم. خیلی مواقع می گذریم اما در یادمان می ماند. باید سعی کنیم آدم ها را خدای نکرده خالی از خرد فرض نکنیم چون عواقب آن خیلی بد است. لذا استاد و شیوه تدریس مهم است. به همین دلیل هم همیشه تاکید می شود سخت ترین تدریس در مدرسه، کلاس اول و در دانشگاه سال اول و ترم اول است. چون در این زمان دانشجو با اشتیاق می آید تا یاد بگیرد و اگر پایه ریزی تحصیلی درستی داشته باشیم بی شک به اهداف مان می رسیم.

**۴] من موضوع راه جهت دیگر هدایت می کنم تا با هم به یک نتیجه از مشکلات فرهنگی برسیم. یکی از موضوعات ویژه‌ای که به نظرم جامعه در بحران ها همواره با آنها دست و پنجه نرم می کند گم شدن مقصر است. مثلا در مقوله فرهنگ سازی هنرمند نقش موثری دارد اما در بحران ها خودش را کنار می کشد یا در جایگاه مدعی می ایستند. به نظر شما چرا ما با این موقعیت ها روبه رو می شویم؟**

من همین جا می خواهم یک پرتانز باز کنم، چون می خواهم کلی صحبت نکنیم. من قبل از اجرای این نمایش، اثر دیگری روی صحنه داشتم، شب یازدهم نمایش مواجه با اتفاقات اخیر شد و تماشا خانه های دلاایی که همه هم می داند مدت تعطیل شدند. با توجه به این که قرارداد ما با تیم اجرا مشخص بود و آنها مجبور بودند سر فیلم هایی که قرارداد داشتند بروند و دیگر نمی شد آنها را در کنار هم جمع کرد ولی این دلیلی نبود که کار را تعطیل کنم چون حرف و زبانم کارم است. حتی در همان زمان مصاحبه کردم که چه کسی حق دارد بگوید تئاتر تعطیل شود یا نشود. مگر تئاتر شوخی است، مگر تئاتر سرگرمی یا جنگ است که همه بختندند و تمام شود؟ نه، اصلا این گونه نیست. تئاتر نیامده است که روز دو دیگر برود. سالیان سال سرمایه گذاری فکری است. من به دوستانم هم گفتم من کار می کنم، همیشه هم کار می کنم، من حرم، عقیده ام و نوع تفکرم در کار متجلی است. جوری فکر نمی کنم یا زندگی نمی کنم و یک جور دیگر کار کنم. کار و زندگی و تمام زیست وجودی من در کارم متجلی است. در زندگی، رفاقت و رابطه با دوستانم. این گونه نیستم که یکی به نعل بزنم یکی به میخ. یک جور دیگر رفتار کنم و یک جور دیگر کار کنم. به همین دلیل کار می کنم. وقتی کار مرا می بینید می فهمید چقدر کار حرفه‌ای و زندگی شخصی ام در ارتباط هستند.

**۴] مسیری که شما می گوید درست است اما برخی مسأله شان این است که چون تئاتر برای همه نیست و مخاطب خاص دارد به همین دلیل تعطیل شدنش مسأله مهمی نیست. موضوعی که در گذشته نمی دیدیم. هنرمندان در گذشته بین مردم بودند و آموزش می دادند. مثلا تعزیه در آشنایی مردم با کربلا نقش مهمی داشت. شاید علت این که برخی هنرمندان خودشان را جدای از فرهنگ سازی می دانند همین است که تئاتر امروز مثل سینماست و مخاطب خاص دارد. به همین دلیل می توان از وظیفه ذاتی جدا شد. نظر شما چیست؟**

اصولاً این طرز فکر به کشور ما برمی گردد. ما دارای یک پیشینه نمایشی غنی هستیم، حتی اگر تئاتر مان قدمت زیادی نداشته باشد. ما نمایش سنتی یا سنت نمایشی داشتیم. سیه‌باز، تخت حوضی و خیمه شب بازی... از یک جایی تئاتر مدرن وارد کشور شد. ابتدا با آن مقابله شد، به مرور این نوع تئاتر در قشر روشنفکر حل شد و به مرور که به میان مردم آمد هنرمندان یاد گرفتند باید حرف شان را جوری مطرح کنند که همه فهم باشد. مثل شعر حافظ که عرفا و فیلسوفان و مردم عامی و کوچه و بازار و فال فروش و همه اینها برداشت خودشان را می کنند و لذت هم می برند. چطور من باید یک شکلی بگویم که فقط یک قشر از آدم ها بفهمند و از آن استقبال کنند. این به چه دردی می خورد. زبانم را باید جوری انتخاب کنم که همه فهم باشد اما سطحش پایین نیاید چون رسالت هنر تعالی بخشیدن است چه در شعر، چه مجسمه سازی،

تئاتر یا سینما و اصولا هنر. من از جشنواره ها استقبال نمی کنم چون وقتی چیزی جریان نداشته باشد به درد نمی خورد که ما بز آن را بدیم. ما باید بز چیزی را بدیم که اندوخته ماست و قابل دفاع است، برای همین من ۱۶، ۱۵ سال است که در هیچ جشنواره‌ای شرکت نمی کنم. باورود به عصر ارتباطات، موضوعات بسیار پیچیده شده اند و آن قدر اطلاعات سریع رد و بدل می شوند که فقط وقت جدا سازی و بیرون ریختن داریم نه گردآوری و جمع کردن. شما از تعزیه گفتید. تعزیه با باور مردم سروکار دارد. وقتی چیزی را جزو باورها قرار دهید آن وقت ارتباط برقرار می شود. یعنی موضوع باید جزو الزامات و باورها شود. وقتی ما درباره عشق حرف می زنیم جزو باورهای ماست. در یک مقطعی داریم از جنگ حرف می زنیم برای این است که با آن سروکار داریم. باید موضوع را مردم باور داشته باشند تا بتوان درباره آن آموزش داد.

**۴] سؤال آخر. برای این که از قدرت تئاتر برای فرهنگ سازی استفاده کنیم چه پیشنهادی دارید؟**
مدیریت کارآمد با شناخت کافی و پشتیبانی مالی راه حل است. هزینه هایی که باید صرف شود. برنامه ریزی درست از مدیریت درست می آید.



**تعزیه با باور مردم سروکار دارد. وقتی چیزی را جزو باورها قرار دهید آن وقت ارتباط برقرار می شود. باید موضوع را مردم باور داشته باشند تا بتوان درباره آن آموزش داد**

# جامعه

## تئاتر

Theater

شنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ ۱۴۴۹ شماره

### تماشاخانه

### ۹ نمایشنامه

### این هفته خوانش می شود

بازار نمایشنامه خوانی این هفته نیز گرم است و علاقه مندان به این حوزه نمایشی می توانند مهمان ۹ نمایشنامه خوانی در تماشاخانه های تهران هستند. «برهنه روی سنگلاخ مذاب» عنوان اولین نمایشنامه ای است که امیررضا عبدالبهی دهکی امروز ۲۰ اسفند از ساعت ۱۷:۴۵ در عمارت نوفل لوشاتو خوانش می کند.

این نمایشنامه نوشته مهدی صلاحی است و داستان ژاکلین، آرایشگر جوانی است که به صورت مخفیانه با شورشیان هم پیمان است. او که به شدت از شکنجه و اعدام چند تن از دوستان خود ناراحت و گریان است ناگهان با پیکر نیمه جان برادرش مواجه می شود. روایا اسماعیلی، امین کاشفی و متین عنایت خاوشگران این نمایشنامه هستند.

روز یکشنبه تماشاخانه های تهران میزبان خوانش دو نمایشنامه «سرع ترین ساعت جهان» و «روی زمین» هستند. یلدا محمدپناه در سالن شماره ۴ بوتیک تئاتر ایران از ساعت ۱۷:۴۵ قرار است نمایشنامه «سرع ترین ساعت جهان» اثر فیلیپ ریدلی را خوانش کند. در خلاصه داستان این نمایشنامه آمده است: «وقتی سریع ترین ساعت جهان رو ببینی، سرنوشت برای همیشه تغییر می کنه». همچنین قرار است در تماشاخانه ملک نمایشنامه «روی زمین» نوشته افروز فروزنده خوانش شود. این نمایشنامه نیز در سه اپیزود و در فضایی سیال میان خیال و واقعیت روایت می شود و ابوالفضل دوستی، شیوا دهقان، فرناز جاووشی، ستاره آقایی، عرشیا یازوکیان، محمدرضا حسنی، علی بابایی، امیر محمدنوری شاد و مهدیه نباتی خاوشگران آن هستند. تماشاخانه های تهران روز دوشنبه میزبان سه نمایشنامه خوانی «قاتل بی رحم همه کارلسون»، «پلیس» و «قربانی خانه عشق» هستند. پلیس نوشته اسلامیر موروک اولین نمایشنامه ای است که ۲۲ اسفند خوانش می شود. داستان درباره یک زندانی سیاسی است که ۱۰ سال است در زندان مانده و به قدیمی ترین زندانی سیاسی تبدیل شده است. او ا امضاکردن توبه نامه از زندان آزاد می شود. رئیس پلیس که نمی خواهد بیکار باشد، گروه باش را و ادارا می کند تا علیه شاه شعار بدهد. به این ترتیب می تواند او را بازداشت کند. دامون ابراهیمی قرار است این نمایشنامه را از ساعت ۱۸ در سالن شماره ۴ بوتیک تئاتر ایران خوانش کند.

از ساعت ۱۹ نیز محمدرضا الوندی پور در تماشاخانه ملک نمایشنامه «قربانی خانه عشق» خوانش می کند. در این نمایشنامه خوانی که مضمون اجتماعی- خانوادگی دارد، زهره محمودی، فرید گلریز، منوچهر گل لاله، صبا حضوری، سعید اردشیری و ... ایفای نقش می کنند.«قاتل بی رحم همه کارلسون» اثر هنینگ مانکل به کارگردانی رها محمدنژاد آخرین نمایشنامه خوانی دوشنبه است که از ساعت ۲۱ در تماشاخانه ملک اجرا می شود. این اثر داستان فردی به نام همه کارلسون است که پس از سال ها دوری از خانه و خانواده در حال بازگشت به محل زادگاهش می باشد. در مسیر خاطرات دوران کودکی برایش زنده می شود.اودین روشن، رها محمدنژاد، فائزه اسکندری، وحید نوبخت، رها طلایی و سعید هاشمی خاوشگران این نمایشنامه هستند.»
عده های نشده» عنوان نمایشی است که سهیلا خطیبی فر قرار است در ساعت۹ چهارشنبه در تماشاخانه ملک خوانش کند. داستان نمایشنامه محمد میرعلی اکبری درباره فردی معتاد است که از خانه رانده شده و برای از بین بردن عقه هایش دست به تخریب شخصیتی آدم ها می زند تا خودش را از اثر بنتر نشان بدهد. آخرین نمایشنامه خوانی این هفته نیز «پنگون های افسرده» نوشته محمد میرعلی اکبری است که سهیلا خطیبی فر در دومین کارگردانی این نمایشنامه نویس از ساعت ۱۹ پنجشنبه ۲۵ اسفند در تماشاخانه ملک خوانش می کند. اینم نمایشنامه میرعلی اکبری نیز در خصوص اعتیاد است. داستان نمایشنامه درباره مواد مخدر جدیدی است به تازگی در بازار بین قشر پولدار پخش شده است. سیروس که پخش کننده این مواد است، گم شده و کمیسر در حال بررسی ماجرا است.

### قاب



### نمآهنگ

### «این ۳۱۳ نفر» منتشر شد

**همزمان با میلاد منجی عالم بشریت، حضرت مهدی عجل... تعالی فرجه الشریف، نمآهنگ این ۳۱۳ نفر با صدای بهرام شهبازی و اجرای نوجوانان کرجی رونمایی شد. ترانه سرای این اثر، حسن اسحاقی بوده و تنظیم و کارگردان به ترتیب مسعود حیدری و علی شاهی هستند.**

**این نمآهنگ کاری از مرکز رسانه‌ای صدر و موسسه فرهنگی شهید منصور و حوزه هنری البرز است.**



### نوا

### درگذشت پیشکسوت موسیقی نواحی بلوچستان

خلیفه شاهمیر بلوچ مالداری از هنرمندان پیشکسوت موسیقی منطقه بلوچستان و یکی از بزرگان و نوادر فرهنگ و هنر بلوچ در مکران دار فانی را وداع گفت.

علی مغازه‌ای، پژوهشگر موسیقی نواحی که طی سال های گذشته در چند پروژه موسیقایی با مرحوم شاهمیر در ارتباط بوده با انتشار متنی، ضمن اعلام خبر درگذشت این استاد موسیقی اقوام بلوچستان نوشته است: «خلیفه شاهمیر بلوچ مالداری، کسی که ده‌ها سال در کسوت خلیفه گوتایی به روش آیینی و سنتی مردم سرزمین پهناور مکران در جنوب بلوچستان بزرگ به مداوا و تیمار بیماران خسته جان از آسیب‌های روانی و تالمات روحی می‌پرداخت، خود به ارواح رفتگان پیوست.

این هنرمند که در مداوای روح و روان انسان بی‌پناه و دورمانده از امکانات تمدنی و زیست شهری در نقاط محروم‌مانده بلوچستان، هزاران انسان دردمند را تسکین می‌بخشید، دربی چند روز بیماری و رنجوری صبح روز چهارشنبه ۱۷ اسفند به خاک

سپرده شد.» / مهر



### نمایش «سی و پنج» روی صحنه ارغوان

نمایش «سی و پنج» اثر جدید تماشاخانه عمارت ارغوان است که از ۲۳ تا ۲۶ اسفند روی صحنه می رود. محمدحسن شاهی قصد دارد نمایش سی و پنج نوشته و طراحی محمد تات را با بهیای بلیت

۸۵ هزار تومان از روز سه شنبه ۲۳ اسفند از ساعت ۱۸ در سالن شماره یک عمارت ارغوان روی صحنه ببرد. میثم تات، امیرحسین قاجاردامغانی، علی عباسی، هلنا موگویی، سپیده نوری، سپیده رضاقلی، محمدحسن شاهی، زهرا یوسفی، امیرحسام بنائی، حامد فاضلی و پریرسا ماهباز از بازیگران این نمایش یکساعته هستند. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: مالاتا یک شهر خیالی با داستان‌های عجیب، مالاتا شهری درون ذهن ماست که در دریای ناامیدی غرق و فراموش شده است. سایر دست اندرکاران این نمایش عبارتند از: دستیار کارگردان: علیرضا انوری، طراح صحنه: محمد تات، مجری طرح: گروه فرهنگی هنری کات، بازیگردان: میثم تات، سرپرست گروه کارگردانی: سعیدسجاد موسوی، طراح نور: محمد سن شاهی، محمد تات، طراح لباس و چهره پرداز: زهرا یوسفی.

